

مقدمه

آنگاه که نقاش ازل قلم بر پهنه هستی بر میکشید، خطه سرسبز، آسمانی نیلگون، رودی و مرغزاری و تاکستانهای گسترده و آب و هوای مفرح در خطه ایران زمین نقش زد که بعدها مردمانش بواسطه طبیعتش آنرا بوان نامیدند و با عنایت پروردگار و همت مردم، از دل زمین، تاکستانها و باغات گردو و بادام و گندم و ... سر برآوردند. من بوانات هستم به شهرستان بوانات خوش آمدید



شهرستان بوانات

موقعیت جغرافیایی

شهرستان بوانات یکی از شهرستانهای استان فارس ایران است. مرکز این شهرستان، شهر سوریان (بوانات) است. کره‌ای دیگر شهر این شهرستان است. بوانات دارای دو بخش مرکزی و سرچهان است.

بوانات، مرکز شهرستان بوانات است، در موقعیت $36^{\circ}53'N - 28^{\circ}30'E$ واقع می‌باشد در ارتفاع 2270 متری از سطح دریا واقع است. بوانات تا خرداد 1380 سوریان نامیده می‌شد. در این تاریخ به درخواست مکرر اهالی جیان در گویش محلی گیون و سوریان و بنا به مصوبه هیئت دولت، این دو یکی شد و نام بوانات گرفت. آب و هوای این شهر سرد، خشک و کوهستانی است.

بوانات شهرستانی در شمال شرقی استان فارس است از شمال و شرق به استان یزد و از جنوب به شهرستانهای ارسنجان و مرودشت و از غرب به شهرستانهای خرم بید محدود می‌شود. فاصله شهر سوریان تا شهر شیراز 239 کیلومتر تا اصفهان 333 کیلومتر تا یزد از راه مروست 274 کیلومتر تا کرمان 450 کیلومتر و تا تهران 719 کیلومتر و تا مشهد الرضا 1105 کیلومتر است.

شهرستان بوانات در شمال شرقی استان فارس با آب و هوای معتدل و کوهستانی با جمعیتی بالغ بر 56000 نفر می‌باشد. از شمال به استان یزد و شهرستان آباءه، از جنوب به شهرستانهای ارسنجان و نی ریز، از غرب به شهرستانهای خرم بید و مرودشت و از سمت شرق به شهرستان خاتم از استان یزد و کرمان منتهی می‌گردد.

آب و هوای بوانات در تابستان بین 12 تا 25 درجه سانتیگراد می‌باشد بعلت وجود کوههای بلند و برفگیر تعداد زیادی چشمه و قنات در آن جاری است.

وسعت بوانات 4992 کیلو متر مربع 3/9 درصد خاک استان فارس و ناحیه ای نیمه کوهستانی است جهت کوهها غربی - شرقی بصورت رشته کوه و امتداد رشته کوههای زاگرس می‌باشد زمستانهای منطقه سرد و خشک و فصل تابستان کوتاه و معتدل بوده و حداقل دمای هوا 20- درجه و حداکثر 34 درجه سانتیگراد است حد اکثر ارتفاع از سطح دریا 3362 متر در قله کوه خاتون می‌باشد.

کشاورزی آن عمدتاً تاکستانهای بزرگ و انگور با انواع مختلف و همچنین گردو و بادام و توت آن مشهور است دو معبد آناهیتا نیز حکایت از تاریخ غنی بوانات است.

این منطقه در مسیر اصفهان کرمان و یزد واقع بوده و تفرجگاه و گذرگاه سلاطین بوده است بخصوص در دوران صفویه و زندیه سلاطین به این منطقه رفت و آمد بسیار داشته اند

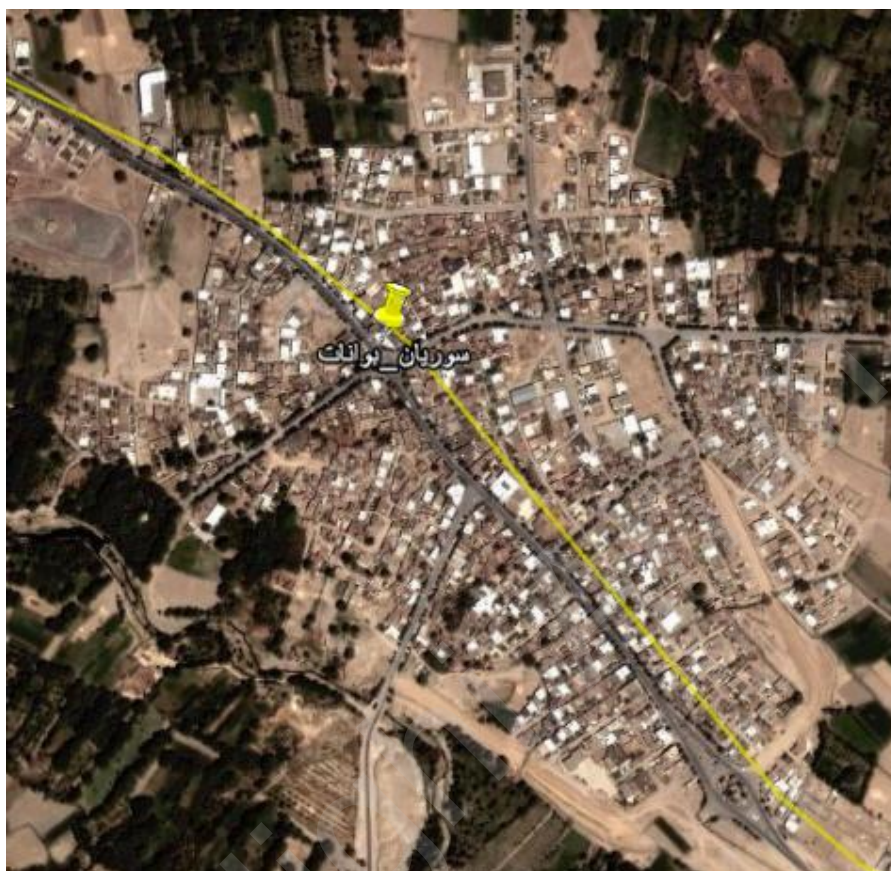
شغل اصلی و عمده مردم این منطقه کشاورزی و باغداری است. آب مورد نیاز برای کشاورزی از رودخانه بوانات و قنات‌ها منطقه تامین می‌شود. عمده‌ترین محصولات کشاورزی این شهرستان را گندم، جو، گردو (مقام اول استان)، انگور، سیب، آلو، کشمش و پنبه تشکیل می‌دهد. از نظر اهمیت، دامداری پس از کشاورزی قرار دارد و فرآورده‌های دامی و لبنی از تولیدات بخش دامداری شهرستان است که عموماً به مصارف داخلی می‌رسد. کشمش، گردو و آلو نیز جزو محصولات صادراتی این منطقه محسوب می‌شود. گیوه دوزی و قالی‌بافی از صنایع دستی این شهرستان است. در قدیم الایام یکی

سوغاتیهای این شهرستان جوزقند نامیده میشود. برای تهیه جوزقند، شفتالو یا زردآلوی تازه را شکافته و بجای هسته آنها مقداری مغز بادام و گردو جایگزین نموده و پس از بستن دو کپه آنرا در محلی میگذارند تا خشک شود و در زمستان که میوه کمیاب است از آن استفاده میکنند.

راه سوریان - صفا شهر (دهبید) به طول 50 کیلومتر و مسیر راه سوریان - سروستان به طول 40 کیلومتر از مسیرهای ارتباطی این منطقه محسوب می‌شوند.

بافت جمعیتی این شهرستان با حدود 80 درصد روستایی و حدود 20 درصد شهری در دو بخش مرکزی (با 4 دهستان و یک مرکز شهر) و سرچهان (با 3 دهستان و یک شهر به نام کره ای) می باشد. مرکز شهرستان از 2 قسمت شهری به نامهای جیان و سوریان تشکیل شده که نام مرکز شهرستان نیز به نام بوانات ثبت گردیده است. این شهرستان در مجموع دارای 110 روستا و دو شهر می باشد.





بخش مرکزی شهرستان بوانات

دهستان باغستان دهستان سروستان دهستان مزایجان دهستان سیمکان (بوانات)
شهر: سوربان یا بوانات
بخش سرچهان دهستان باغ صفا دهستان توجردی دهستان سرچهان
شهر: کره‌ای

بوانات از شمال به ارتفاعات بیخون گون و سرخ زیتون . از جنوب به ارتفاعات بوانات و مزایجان و باب الجوز.
رودخانه بوانات در وسط دهستان جاری است.

شهرستان بوانات کلا دارای 103 روستا میباشد

تعدادی از مراکز و دهستان های این شهرستان، بشرح ذیل میباشد

اکبری	بادبر	باغ صفا	باغستان
بزم (امامزاده بزم)	پیرکدوئیه	توجردی	جشنیان
جعفر اباد علیا	جعفر ابادسفلی	جمال آباد	جوب بزم
جوکان	جوی سفید	جیان	چنار
چنار سوخته	چیر	حسامی	خورکش
دشت خورده	دوراه	ده زیارت	دیده بانکی
سروستان	سنگبر	سوریان	سیمکان
شیر خورشت	شیدان	عاصمی	فخرآباد
فنجان	قاضی آباد	قدمگاه	قدمگاه
قلعه آباه	قلعه مسه	قنات ملک	کره ای
کوپان	گله دار	لقمان چشمه	محمودآباد
مرشدی	مروشکان	مزایجان	مزرعه هندو
منج سفلی	منج علیا	مهدی اباد	مهدیه
هرابرجان			

پوشش گیاهی :

طبیعت بوانات به دلیل شرایط اقلیمی آب و خاک و نوسان میزان بارندگی پوشش گیاهی متنوعی دارد از نواحی جنگلی گرفته تا بوته زها گونه های گیاهی چون بلوط . بنه . کرخنگ . کیکم . و ارژن نارون تنگس . عرعر . کیالک بادام کوهی . گون گینه زرد (نوعی صمغ به نام کتیرا از آن استحصال می گردد). قیج الیجون کارم کش گز . و گیاهان مرتعی مثل جاشیر و کما و انواع اقسام گیاهان خوراکی و دارویی چون سیر . هکل . کنگر . رواسه یا ریواس زیره سیاه پیازو نعنای کوهی گل گیس پری ابشن گل گربه گاوزبان کاشنی خارشتر . خاکشیر بومادرون شاتره ریشه مک پودون ترشک قاضی یاغی سیرموک اسفنجو و چزو وجود دارد گیاه نبند مریم و اسفند دونه هم کارکردی فرهنگی دارند . دود کردن در مواقع شادی و سرور و برای استقبال از تازه وارد و احیانا برای شروع خوب یک کار و دفع بلا از چشم شور کارکرد آن است .

حیات وحش:

در مراتع بوانات حیات وحش و گونه های جانوری متنوعی وجود دارد. بز میش و قوچ کوهی آهو و پرنده گانی چون کبک تیهو مرغابی وحشی کبوتر چاهی از جمله جانوران حلال گوشت هستند که کم و بیش یافت می شوند پلنگ کفتار روباه گرگ گراز شغال خرگوش و.... نیز در دنیای وحوش یافت می شوند

ویژگی اقتصادی:

مردم بوانات اکثرا به کار کشاورزی و دامپروری زنبورداری و پرورش طیور کار در معادن و خدمات مشغول هستند. کار در مزارع و تاکستانها کار روزانه مردم است در شرایطی که بارندگی سالانه مناسب باشد تولیدات باغی چون انواع و اقسام انگور (سیاه صابونی یا قوتی خلیلی بش بی دانه و کشمش بصورت تازه خوری) کشمش. آفتابی (انگور خشک شده یا مویز) گردو بادام آلوقطره طلا آلو بخارا آلوچه شفت آلو هلو آلوبالو انار (بردشیراز) سیب درختی دره سبز بوانات کم نظیر است. محصولات کشاورزی بوانات عمدتا گندم جو عدس نخود لوبیا چغندر قند سیب زمینی می باشد سرزمین بوانات از نظر تولید انواع چوب هم حائز اهمیت است کاشت و نگهداری از درختانی چون سفیدار صنوبر ار بید چنار مرسوم است چوب توت و گردو هم ارزش تجاری دارد علی رغم وجود انواع و اقسام محصولات باغی و زراعی و مراتع غنی متأسفانه هنوز کارخانجات صنایع تبدیلی در بوانات احداث نگردیده است همچنین با وجود چوب فراوان کارخانه ای در این راستا مستقر نشده است بعلاوه منطقه نیز دارای نیروی کار فراوان می باشد که همه این منابع و استعدادهای منطقه ای می طلبد مردم منطقه بصورت سرمایه گذاری تعاونی طرحی نو در اندازند.

صنایع دستی در اقتصاد خانواده نقش مهمی دارد صنعت قالی بافی هنر زنان خطه بوانات است که بعضا جنبه صادراتی هم دارد نیروی کار: بواسطه اقتصاد کشاورزی کار بر منطقه اکثر اعضای خانواده در گیر کار کشاورزی و فعالیتهای جانبی آن می باشند فصل کاشت اکثرا مردان و جوانان مشغول کار کشاورزی هستند و معمولا از اول مهر شروع می شود چرا که در ماههای آبان به بعد با آغاز بارندگی امر کاشت با مشکلاتی مواجه می شود. موقع برداشت محصول همه اعضای خانواده مشارکت دارند

ویژگی سیاسی اجتماعی:

شهرستان در سال ۱۳۱۶ دارای بخشداری. سال ۱۳۴۳ دارای شهرداری و در سال ۱۳۷۴ به شهرستان تبدیل گردید اسامی فرمانداران شهرستان از ابتدای تاسیس بترتیب به شرح ذیل است

آقایان:

- | | | | |
|---------------------|----------------|----------------------------|----------|
| ۱- بهمنی | ۲- قائدی | ۳- مشتاقی | ۴- موسوی |
| ۵- حمید رضا اسکندری | ۶- الیاس طاهری | ۷- مهندس محمد مهدی برومندی | |

پیشینه تاریخی

در مورد واژه بوانات دو وجه نام گذاری وجود دارد. یکی بون به معنی بهره است که بعدها با ات تازی جمع شده است و دیگری به معنی بوان (بهشت) است که به مکان سر سبز دلالت دارد. در کتب تاریخی بوانات را یکی از جنات اربعه یاد کرده اند.

همانطوریکه عنوان شد، بوانات bavanat از نظر لغوی به معنی بهره و حصه و جمع مونث سالم در ادبیات عرب و نیز به معنی باغ بهشت یا نام بهشتی در فارس نیز آمده است است همچنین نیز به معنی جایی که مویز فراوان دارد. بوانات در کتاب فیلیپ. ک. حتی ترجمه ابولقاسم پاینده به عنوان یکی از جنات اربعه جهان یاد شده در چهار اقلیم که عبارتند از ۱- شعب بوان ۲- مرج شیدان ۳- غوطه دمشق ۴- بله بصره. کوره بوانات یکی از واحدهای تابعه شهر قدیمی استخر در عهد هخامنشی بوده است.

نام بوانات در متون جغرافیایی دوره اسلامی به صورت بَوّان ضبط شده که نام دو ناحیه در فارس بوده است. یکی شعب دره بوان در ولایت شاپور بین ارجان و نوبندگان که آن را یکی از گردشگاههای جهان شمرده اند و دیگری که با ناحیه بوانات امروزی منطبق است، خیلی پیشتر جزو کوره استخر به شمار می رفته، و مرکز آن شهر مریزجان بوده است. برای تمیز این دو، یکی را شعب بوان، و دیگری را بوان کرمان خوانده است. بوان کرمان ناحیه ای رستاقی بزرگ و کوهستانی بوده، و رودخانه ای آن را به دو قسمت تقسیم می کرده است.

فعلابر اساس شواهد موجود قدیمی ترین مکان بوانات منج با قدمت تاریخی عهد ساسانی (چهار طاق ساسانی و قلعه دختر) و شیدان (مسجد جامع) با قدمت قرون اولیه ورود اسلام به ایران و سوریان با آثاری از قرون اولیه ورود اسلام عهد صفویه (پل صفویه و مسجد جامع که بنای آن به عهد دیالمه می رسد) هستند این مکانها در آن زمان مکانهایی با جمعیت قابل توجه بوده اند چرا که مساجد جامع در گذشته در جاهای آباد و دارای جمعیت زیاد می ساخته اند بیشتر اثار تاریخی بوانات به دلیل استفاده از سازه گل رس و خشت خام در گذر زمان از بین رفته و شاهد ویرانه های آن هستیم و در واقع وارث تمدنی گلین هستیم.

بوانات از دید یک محقق فرانسوی:

در سال ۱۹۱۲ میلادی حقوقدانی فرانسوی به نام ژ-دو موریینی در کتاب خود تحت عنوان عشایر فارس، ولایت خمسه را شامل چهارده بلوک دانسته و از سه بلوک آن شامل بوانات قونقری و سرچهان نام می برد وی در معرفی بوانات می نویسد:

این بلوک ۱۵۸ کیلومتر طول و ۱۲ کیلومتر عرض دارد و از بانک (؟) تا جوب سفید وسعت دارد از شمال به بیابان ابرقو و یزد از جنوب و مغرب به بلوک قنقری و از مشرق به بلوک شهر بابک هرات و مروست محدود می شود اب و هوای آن سرد است منطقه اب بسیار دارد بیشتر محصولات آن حبوبات خشخاش و پنبه می باشد حدود ۱۶۰۰۰ نفر جمعیت دارد مرکز این بلوک سوریان با ۲۰۰۰ نفر سکنه است صنایع آن ساخت اشیای ظریف چوبی و ابنوس کاری می باشد و خشکبار صادر می کند مالیات بلوک بوانات به حدود ۸۲۶۲ تومان می رسد امور اقتصادی بلوکات بوانات و قنقری مشترک است مالیات آنها سالانه و بصورت نقدی و غیر نقدی از طرف دو بلوک پرداخت می شود و به حدود مبلغی بالغ بر ۱۷۵۸۸ تومان می رسد ۲۱ قریه آن عبارتند از: چاهک. جاشنیان. بزم. بینگ. جوب سفید. هایان. هیر.

خسروان. ریزگان. زیراب. سوناچ. شهیدان. توتکان. فخرآباد. قاضی آباد. قدمگاه باربنیدی. مزایجان. منج. مهدی آباد. و هراورجان.

این محقق فرانسوی در کتاب خود (عشایر فارس ترجمه رفیع فر) ضمن اشاره به معادن فارس از مس به عنوان تنها ماده معدنی فارس که در بوانات موجود است اشاره می کند تنها معدن مس کشف شده استان با ذخیره تقریبی بیش از 2 میلیون تن در حاشیه جنوب شرقی جیان بوانات قرار دارد. در کنار این معدن کارخانه کنسانتره (فرآوری) مس توسط بخش خصوصی احداث شده است ظرفیت تولید این کارخانه روزانه 10 تن کنسانتره مس با درجه خلوص 30 درصد است و کنسانتره مس به کارخانه مس سرچشمه کرمان منتقل می شود.

معادن سنگ متعددی در منطقه وجود دارد که از جمله معدن سنگ مرمریت شایان از کیفیت بالایی برخوردار است واحدهای متعدد تولیدی سنگبری برش سنگهای تزئینی در منطقه به فعالیت مشغول هستند که برخی از تولیدات آنان جنبه صادراتی دارد

بوانات، مورد نزاع و محل برخی جنگهای میان آل مظفر و چوپانیان بوده است. این شهر در سده های بعد هم میان حکام و خاندانهای مختلف دست به دست می گشت. طی نزاعهای میان لطفعلی خان زند و آقامحمدخان قاجار، بوانات به عنوان یکی از مراکز راههای ارتباطی یزد و کرمان، همواره محل آمد و شد سپاهیان دوطرف بود. لطفعلی خان زند در لشکرکشی به یزد دستور داد که آذوقه سپاه را از بوانات و ابر کوه تهیه کنند.

بوانات در دوره قاجاریه هم یکی از بلوکهای فارس به شمار می رفته، و محل ییلاق ایل عرب بوده است. این بلوک 3 قریه داشته که چاهک و جیان از قرای معروف آن، و سوریان قصبه یا مرکز آن بوده است.

به گفته نویسندگان این دوره، در بوانات میوه های سردسیری و گرمسیری هر دو به عمل می آمده، و حرفه و صنعت اهالی آن، جعبه و قاشق سازی بوده است که آن را از چوب درخت گلابی می ساختند و به قاشق بواناتی شهرت داشته است. قاشق صادراتی بوانات:

روزگاری بوانات با نام قاشقش در بین جوامع مختلف شناخته می شد. قاشقی از جنس چوب گلابی که در این منطقه تولید می شدند. هنرمندان این خطه چوب را به عمل می آوردند و سپس در کارگاه هایی که در بوانات وجود داشت مشغول به کار تولید هنر می شدند. دور از عقل نیست که در این کارگاه ها علاوه بر قاشق انواع هنرهای دیگر چوبی نیز رواج داشته است

اگر چه امروز از این هنر بسیار زیبا جز اسمی به یادگار نداریم اما چندی از ریش سفیدان که نوادگان آن هنرمندان هستند خاطراتی از این هنر به یاد دارند. جای دارد که تا زمانی هست از این بازماندگان یاری بجویم و نگذاریم که این هنر به هنرهای از یاد رفته تبدیل شود.

از مشاهیر بوانات می توان به میرزا محمدباقر بواناتی، ادیب و شاعر ایرانی و آموزگار زبان فارسی در لندن و همچنین آموزگار زبان فارسی ادوارد براون، اشاره کرد.

جمعیت

جمعیت شهرستان بیش از پنجاه هزار نفر (64000 نفر در سال 1365) است که در قالب ۱۰۰۰۹ خانوار می باشد و میانگین بعد خانوار شهرستان برابر ۹/۴ نفر است. ۲۰٪ جمعیت شهرستان شهرنشین و ۸۰٪ آن روستانشین اند. ۳۴٪ جمعیت شهرستان را فعالان اقتصادی تشکیل داده و نرخ بیکاری در این شهرستان ۱۴٪ است و حدود ۸۰٪ جمعیت شهرستان باسواد هستند.

آثار تاریخی و جاهای دیدنی

سوریان

شهر سوریان به لحاظ مورفولوژی در گذشته بصورت سکونتگاهی متمرکز و مجتمع بوده است اما امروزه در طرفین جاده ترانزیت اصلی و بصورت طولی با جهت غربی شرقی در حال توسعه است این مکان بی تردید یکی از مراکز قدیمی مدیریت منطقه ای و محل عبور مرور محور جنوب به شمال و شرق به غرب در اعصار تاریخ بوده است و کاروانهای تجاری و نیروهای نظامی برای عبور و مرور این مسیر را انتخاب می نموده اند در کتابهای تاریخی و سفرنامه ها از بوانات به عنوان گذرگاه یاد شده و احیاناً عرصه منازعات هم بوده است احتمالاً به دلیل عدم وجود امنیت پایدار بندرت اثر تمدنی و تاریخی ای که به قصد ساختن برای ماندن باشد به چشم می خورد. آثار تاریخی و گردشگری آن به شرح ذیل است :

پل صفوی (بزرگ):

این پل بر روی رودخانه اعظم بوانات قرار دارد و در متون تاریخی به پل آجری و در منطقه بنام کچی معروف است. تاریخ ساخت این پل را اواسط قرن هفتم ذکر کرده اند. پل یک دهانه و با آجر چهار گوش و ساروج ساخته شده است. پل بزرگ یا پل آجری واقع در ورودی جنوبی شهر که با مصالح آجر چهار گوش مربعی شکل و با ملات ساروج با مهندسی دقیق احداث گردیده است به منزله یک مکان ژئواستراتژیک تاریخی و دارای موقعیت سوق الجیشی بوده است بعید بنظر می رسد حاکمان به قصد خدمت به مردم شهر آن را احداث کرده باشند بلکه با هدف تسهیل عبور و مرور کاروان نظامی - اقتصادی خود چاره را در گشایش معبری در قالب پل دیده اند احتمالاً با توجه به قدمت بوانات و وجود آثار تاریخی مربوط به عهد ساسانی و ما قبل آن پل منصوب به عهد صفوی هم قدمتی بیش از عهد صفوی دارد و شاید در عهد صفویه مرمت شده باشد .

مسجد جامع سوریان:

مسجد جامع سوریان بجامانده از عهد دیلمیان قرن ششم هجری میباشد که قدمت آن به دوره ایلخانی می رسد. بنای این مسجد اهمیت معماری و هنری چندانی ندارد و تنها منبر منبت کاری بزرگ آن که در 71 ق ساخته شده، از اعتبار و اهمیت هنری برخوردار است و اکنون در موزه ملی ایران نگهداری می شود. به روایتی دیگر این بنا در زمان عضالدوله دیلمی ساخته شده است و در بافت قدیمی شهر قرار دارد، اگر چه در دوران مختلف مورد بازسازی عمده قرار گرفته و قسمتهایی به آن افزوده شده اما قسمتهای داخلی گنبد منقوش به آیات قرآنی است که از قرن ششم بر جای مانده است.

این مسجد دارای گنبد مدور که به سبک قیصریه لار میباشد کتیبه آن به نام امام علی مزین شده است. در زیر گنبد دست نوشته مرحوم حاج محمد رضا مادحی پدر همسر حاج سید نورالدین شیرازی میباشد

مسجد جامع با مساحت ۸۰۰ متر مربع در مرکز شهر واقع شده و کماکان نماز جماعت یومیه و نماز جمعه در این مکان و اماکن مجاور آن اقامه می شود. بنا متعلق به آغاز قرن ششم هجری می باشد که توسط امیر عضالدوله دیلمی احداث و تاکنون چندین بار مرمت گردیده است. در جهت شرقی مسجد درب ورودی دولنگه ای از جنس چوب می باشد بر روی لنگه راست ذکر " لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهدوا ان محمدا عبده و رسوله " و بر روی لنگه سمت چپ آن " و

آن علیا ولی الله و محمدا رسول الله" در سال ۱۰۹ هجری توسط استاد حاجی رضا فرزند استاد شاه حسین سوریانی حکاکی شده است. شبستان قسمت جنوبی مسجد قدیمی تر از بنای موجود و سقف های روی آن دارای مقرنس های ساده گچی است و در هلالی داخل گنبد کتیبه ای قرآنی وجود دارد. در چهار گوش گنبد چهار طاقچه مانند بامقرنس های زیبا ی گچبری کار شده است. منبری از چوب صندل و آبنوس منبت کاری شده با کتیبه ای به تاریخ 771 هجری قمری متعلق به مسجد بوده است که یازده پله و درب ورودی داشته و به دستور خواجه مظفر الملک از حاکمان فارس ساخته شده و در سال ۱۳۱۴ شمسی به موزه ایران باستان منتقل گردیده است (به نقل از سید حسن علوی و دیگران از کتاب اقلیم پارس. ص ۱۵۵)

منبر جامع سوریان:

این منبر در سال 771 هجری قمری به دستور مظفر الملک سعدبن زنگی از محل مایترک خواجه سعدبن محمد و از چوب چنار و ترئینات آن از چوبهای عود، صندل، آبنوس، فوفل ساخته شده و دارای یازده پله است. در سال 1314 بدستور رضاخان پهلوی این منبر به موزه ایران باستان منتقل و در آنجا نگهداری میشود.

قدمگاه محمد حنیفه:

این مکان در دامنه کوه ختاوند قرار گرفته و بعنوان تفرجگاه زیارتی است محلی سبز و خرم در فاصله 4 کیلومتری جنوب سوریان میباشد. این مکان مورد احترام اهالی محل بوده سابقه دینی اعتقادی مکان بیشتر از جنبه تفرجگاهی آن است و به قدمگاه محمد حنیفه معروف است. درختان سبز و خرم و چشمه آب روان این مکان رابه چشم اندازی دلنواز تبدیل کرده است. یکی از سادات علوی حاج سید درویش علی اقامیری که مردی عارف متقی مردمی متدین صدیق نیکوکار بود در احداث نماز خانه. بهسازی و محوطه سازی این مکان تلاش زیادی نمود.

امامزاده سید میر محمد مرتضی:

زیارتگاهی واقع در ضلع غربی مسجد جامع شهر و ارامگاه یکی از فرزندان امام موسی ابن جعفر (ع) در این مکان قرار دارد. و با دو مناره زیبا بر آسمان شهر خود نمایی می کند

چهار طاق ساسانی:

این بنا در روستای منج و بر فراز یک تپه در مجاور رودخانه اعظم بوانات قرار گرفته است. آنچه امروز از آن باقی مانده تنها چند ستون و چند طاق از یک بنای عظیم بوده است. این بنا را متعلق به دوره ساسانیان می دانند. این بنا از دوره ساسانیان بجا مانده این بنا برای آئین مذهبی بوده حوض ابی که در وسط بنا است محل تطهیر بوده است که بیانگر آئین آناهیتا پرستی است. یکی از آتشکده های ایران، در چهارطاق ساسانی میباشد اهالی منج از این بنا بعنوان قلعه حیدر بیگ یاد میکنند

جیان (گیون)

جیان در ورودی غربی شهر بوانات در ۶ کیلومتری غرب سوریان واقع است هم اکنون بخش باختری شهر بوانات محسوب می شود و از هر دو تحت عنوان شهر بوانات یاد می شود در کتابهای فرهنگ لغت واژه گیان به معنی خیمه گاه آمده است و واژه جیان معرب گیان می باشد. این نام متعلق به قبل از اسلام بوده و وجود حدود ۲۵ قنات احیا نشانه

قدمت تاریخی آن است . بعدا یکی از اعقاب امام موسی ابن جعفر(شاهزاده علی اکبر که قدما در هنگام عرض ارادت به آستان ایشان اورا شیخ برحق می گفتند) در این محل مدفون گردیده است.که خود نشان از قدمت دیرینه جیان است بر روی سنگ قبراین امامزاده واجب التعظیم نوشته است شاهزاده علی اکبر ابن موسی الکاظم ابن جعفر الصادق ابن محمدابن علی ابن الحسین ابن علی المرتضی و ابن فاطمه الزهرا بنت محمد المصطفی خاتم الانبیا والمرسلین

قلعه تاریخی سیماکان:

این قلعه در روستای سیماکان در جنوب غربی شهر بوانات واقع و باقی مانده از دوران زندیه (قاجاریه) است. در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. در بالای تپه و در وسط روستای "سیماکان" واقع شده است. این قلعه روی یک تپه سنگی در دوره زندیه بنا نهاده شده است، اهالی آنرا بنام قلعه سرسنگی مینامند این قلعه از خشت خام درست شده است.



قلعه سیماکان

مجسمه طلائی

به وزن 2/5 کیلوگرم که توسط یکی از کشاورزان در جنوب شهر سوریان یافت شد و مربوط به عهد هخامنشیان بوده و به موزه ایران باستان انتقال یافته است.

کاروانسرای محمد برده شیراز،

این کاروانسرا قلعه ایست محکم، بجا مانده از عهد صفویه، در یک آبادی بنام برده شیراز در شمال شهر بوانات (15 کیلومتری شمال سوریان) میباشد. در آن از مصالح سنگ و گچ و آجر استفاده شده است. این بنا بشکل مربع میباشد هفت برج هفت متری دو طبقه دارد. ورودی بنا بشکل دالان بوده که در هر طرف سه حجره دارد. حجره ها بصورت خشتی میباشد. شاه نشین بنا دارای چهار اتاق بوده که یکی از اتاق ها خمره آذوقه بوده است. این بنا در دوره شاه عباس ساخته شده و در سر راه مسیر اصلی کاروانسراهای عباسی بوده است. هرچند بعضی آنرا متعلق به دوره ساسانیان میدانند. این محل اطراق کاروانهای تجاری بوده است یکی از انشعابات جاده ابریشم میباشد. این بنا بنام عروس کویر هم نامیده شده و برج های این محل دارای دیده بانی با تیر کش های متعدد و یک شاه نشین و انباریهای بزرگ جهت نگهداری احشام بوده است.

چشمه پیر کدوییه

این چشمه در غرب روستای مزایجان در 40 کیلومتری شهر سوریان میباشد. در این مکان چشمه های جوشانی جاری است که سرزمین وسیعی را زیر پوشش خود قرار داده است. در حوالی چشمه درختان بزرگ و تنومندی است که توجه هر بینندهای را به خود جلب مینماید. هر ساله تعداد بیشماری از گردشگران شهرستانهای مجاور، جهت گذراندن اوقات فراغت خود به این محل سفر می نمایند. آب این چشمه دارای تقدس بوده است عشایر وقتی گوسفندان خود را از این منطقه عبور میدادند در مراسمی بنام گوشواران (گوسفند شوران) از آب این منطقه برای رفع بلایا و امراض گوسفندان استفاده میکردند.

دیگر امکانات تفریحی – سیاحتی

چشمه سنجد در جنوب سوریان، چهل چشمه در شیر خورش، غار نصر در جنوب باد بر، سرو کهنسال روستای عاصمی، چنار روستای بادبر و غار محرم در کوه قبله مزایجان، سبزه چیر در چیر، تل بزرگ میاق، تپه یال، قبرستان قنات ابراهیم تل سلمه واقع در شهرستان بوانات، قبرستان چیر (جعفریه)، تل اعظم قلات، اشاره کرد.

بقاع متبرکه بوانات

- 1- امام زاده شاه میرحمزه (ع) در روستای امام زاده بزم (که ذیلا مشروح ذکر گردیده است)
- 2- امام زاده بی بی خاتون (س) در روستای امام زاده بزم
- 3- شاه زاده علی اکبر (ع) در شهر بوانات
- 4- سید محمد مرتضی در شهر بوانات
- 5- امام زاده بی بی (س) در روستای مزایجان
- 6- عون و جعفر در روستای شیدان
- 7- سید جمال الدین در روستای فنجان
- 8- سید معصوم (ع) در روستای سیمکان
- 9- سید محمد حسین در روستای خورجان
- 10- قدمگاه محمد حنیفه در سوریان
- 11- قدمگاه محمد حنیفه در روستای قلات
- 12- امام زاده شاه زاده ابوالقاسم در بخش سرچهان
- 13- امام زاده شاه رستم در بخش سرچهان
- 14- امام زاده شاه خاقان در روستای ده زیارت بخش سرچهان

شیدان،

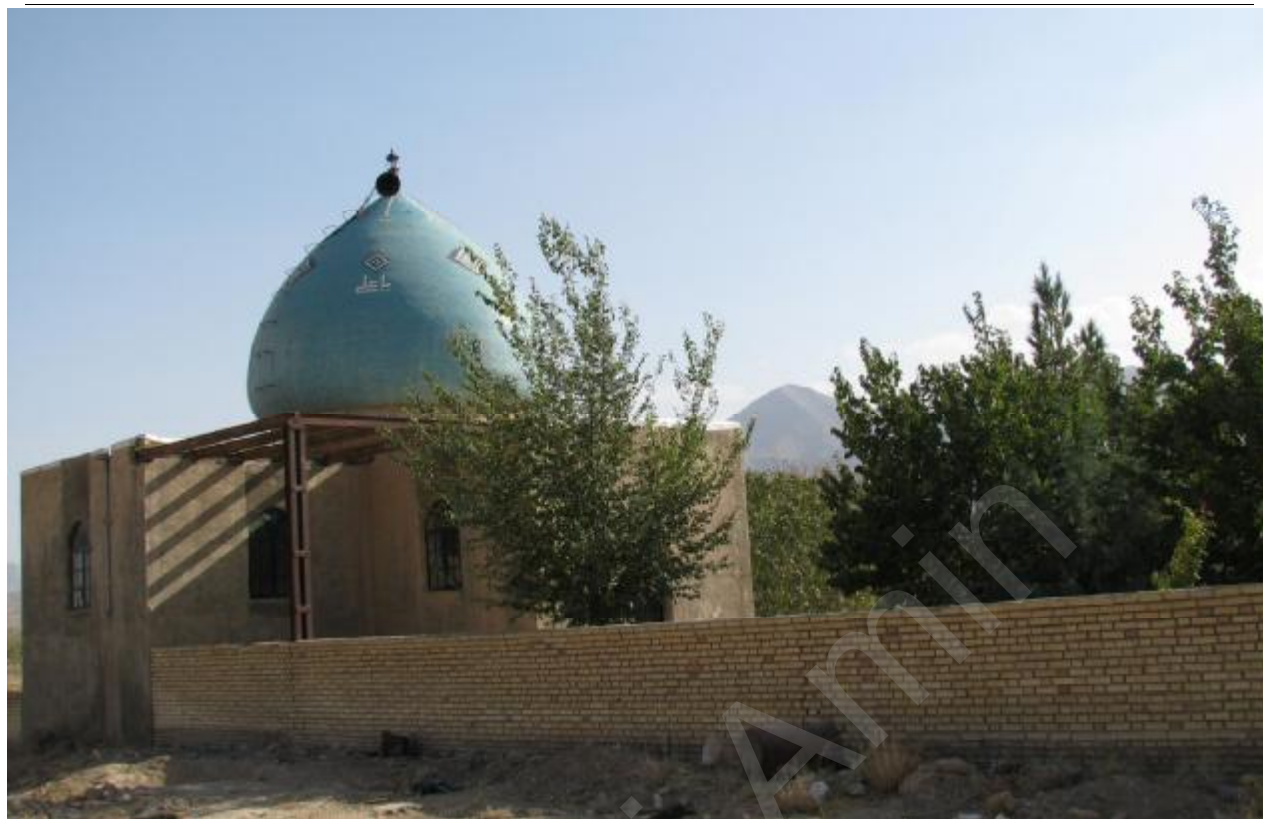
روستای شیدان در 10 کیلومتری شرق بوانات قرار دارد این روستا قدیم الایام بنام شهر **ایله** (فرغ شیدان) شهرت داشته و حدود 10 آثار تاریخی از قبیل 7 قبرستان زرتشتی، محله بازار، حمام، آثار یک پل از عهد صفویه آثار یک مسجد از قرون پنجم و ششم هجری قمری.

بازاری هم بنام ایله در این منطقه بوانات بوده است که مردم محصولات کشاورزی و صنایع دستی خود را در این بازار به فروش میرسانده اند

سالها پیش در شیدان میرزا محمد باقر حکیم مکتب خانه دائر می کند و محتوی آموزش قران بود وی سپس به اصفهان تهران نجف و بیروت و لندن میرود و به مقام استادی دانشگاه می رسد شاگردان وی در شیدان مکتب خانه را فعال می نمایند که برخی از آنان عبارتند از: میرزا محمد یوسف .میرزا عباس فیاضی (استاد و حافظ قران) خانم میرزا علی محمد خان .شیخ محمد حسن صدیقی .میرزا احمد پرهیزگار. سید یحیی طالبی (شجره نامه بعضی فامیل های مشهور در انتها ذکر شده است)

امامزاده عون و جعفر در روستای شیدان قرار دارد





امامزاده عون و جعفر در روستای شیدان

بقعه امامزاده شاه میر حمزه (ع) (امامزاده بزم)

بنای امامزاده شاه میر حمزه بن موسی الکاظم (ع) در روستای امامزاده بزم در 18 کیلومتری جنوب شرقی شهر یوانات قرار دارد. این بنا از عهده صفویه است و از زیارتگاههای مهم شهرستان است ایام سوگواری ائمه اطهار (ع) (بویژه تاسوعا و عاشورا) تمام دستجات عزاری با تجهیزات خود از روستاهای مختلف بخش مرکزی در این مکان مقدس تجمع می کنند و به عزاداری می پردازند. این مکان اخیراً جاذبه توریستی هم پیدا کرده است. وجود 5 اصله درخت چنار تنومند چند هزار ساله و عبور یک رشته قنات از صحن امامزاده زیبایی خاصی ایجاد کرده است. منبر چوبی امامزاده به دستور شاه عباس و از چوب صندل و آبنوس ساخته شده است. تاریخ ساخت منبر بوسیله حروف ابجد از کلمه فیض لم یزل استخراج می شود.

بر این بقعه تاریخ 53ق ثبت شده، و دارای گنبد مدور و گچ بریها و نقوش، و نیز محوطه وسیع و زیبایی است. درب منبت کاری امامزاده شاه میر حمزه دارای ساختار زیبایی است درباره بنای امامزاده شاه میر حمزه: این بنا از نظر گچ بری، معجر، درهای خاتم، منبتکاری، اسلوب معماری طاق و گنبد در ردیف 305 ثبت آثار تاریخی شده است. این امامزاده از فرزندان امام موسی کاظم (ع) است که با گروه زیادی به ایران آمد. ورود این کاروان به ایران مصادف با شهادت امام رضا (ع) و پیگرد آنان از طرف حاکمان شد که اولین برخورد آنها در خانه زنیان فارس بود و از آنجا بنی هاشم به اطراف پراکنده شده و هر کس برای حفظ جان خویش راه دیاری را در پیش گرفت. حمزه و خواهرش در محلی به نام دهکده بزم که اکنون در 22 کیلومتری سوریان قرار دارد به قتل رسیده و مقبره آنها به فاصله دویست متر از یکدیگر قرار گرفته است.



آثار کنونی بنا

بنای کنونی امامزاده عبارت است از یک گنبد مدور به ارتفاع تقریبی ۱۶ متر که سبک طاق مدور آن عیناً به قیصریه بازار لار شباهت دارد. دور تا دور بدنه طاق در فواصل معین کتیبه های کوچکی از خط کوفی تزئینی قرار گرفته. سه شاه نشین در جهات شمال، جنوب و مشرق واقع شده و درب ورودی رو به مغرب باز می شود. محوطه امام زاده عبارت است از فضای نسبتاً بزرگی که درختان چنار کهنسال آن حاکی از آن است که لااقل از هفتصد سال پیش امامزاده مورد توجه مردم بوده است.

درب ورودی حیاط امامزاده نیز در سمت غرب قرار دارد که سردر آن فرو ریخته و تنها قسمت جزئی از گچ بری های آن باقی مانده است. این گچ بری ها یکی از نفیس ترین آثار هنری قرن دهم هجری به شمار می رود. تناسب عجیب و خوش حالت اسلیمی ها با نقوش بدیع و زنده و صحنه های جاندار نزاع شیر و آهو علاوه بر این که حاکی از چربدستی هنرمندان است به وضعی خیال انگیز مبین هیجانات و مظاهر روحی مردم در سواحل کویر است.

در ضلع دست راست ورودی اشعاری بر قطعه سنگی منقور است که نصب آن به دستور میرزا محمدحسین وزیر صورت گرفته و تاریخ آن معادل با مجموع حروف ابجدی این مصرع (بحمدالله دعای خیر حاصل) یعنی سال ۱۰۷۴ است. درب امامزاده نیز قدیمی است و در قسمت بالایی آن آیه هایی از قرآن به صورت برجسته نقش گردیده است. محوطه ای که درب ورودی بدان منتهی می شود و به وسیله درب دیگری از حرم جدا شده عبارت از طاقی است که دارای اشکال هندسی است و گچ بری های بسیار زیبایی از سقف آن فرو ریخته و قسمتی نیز زیر گچ کاری های بعدی پنهان مانده. در ضلع دست راست درب دو لنگه ای خاتم کاری اتاقی است که آن هم از آثار دوران صفوی است. در وسط درب نوشته شده (عمل استاد علی بمان نجار ۹۹۳) و دور تا دور قسمت بالایی چهارچوب با خط ثلث زیبایی اسامی دوازده امام کنده کاری شده. معجر چوبی از سه طرق منقش به کنده کاری های برجسته می باشد که به دستور شاه عباس بزرگ (۹۹۴ - ۱۰۳۸) تهیه شده. بر روی درب معجر با خط ثلث نوشته شده (کتبه الفقیر بماند علی فی السنه الف و سبع) در ضلع دیگر معجر اشعاری حاکی از آن که به دستور شاه عباس اول معجر تهیه شده نقره می باشد و تاریخ تهیه آن هم که در سنه ۱۰۰۷ می باشد چنین سروده شده:

چو فیض لم یزلی است این، تو نیز تاریخش اگر طلب کنی از (فیض لم یزل) دریاب

روی دیوار غربی نیز گچ بری زیبا و خوش خطی دیده می شود که نام استاد کار آن را چنین نقش نموده (عمل استاد شمس الدین عبدالحسین اصفهانی بنا).

گچ بری جرزها یکی از شاه نشین های داخل حرم نیز بیانگر این است که قبل از پادشاهی شاه عباس کبیر گچ بری ها تهیه شده و بیت زیر تاریخ آن را نشان می دهد:

به اهتمام همام الا نام گشت تمام به سال نهصد و پنجاه و سه به فتح و ظفر

بخش سرچهان

بخش سرچهان از توابع شهرستان بوانات در شمال استان فارس با وسعت 2266 کیلومتر مربع و ارتفاع 2100 متر از سطح دریا در موقعیت جغرافیایی واقع شده است

شهرستان کره ای مرکز بخش سرچهان میباشد سرچهان دارای دهستان های باغ صفا ، سرچهان، توجردی میباشد جمعیت این بخش 30000 نفر و وسیعترین بخش استان فارس میباشد دارای آب و هوای معتدل و در فصل بهار و تابستان بسیار دل انگیز میباشد

بخش سرچهان دارای یک شهر و پنجاه روستا میباشد این بخش دارای طایفه های جشنی ، چهار راهی ، قرایی ، و خمسه میباشد

نقاط گردشگری و تاریخی

- | | | |
|--------------------------------|----------------------|-----------------------|
| 1- روستای شاه رستم | 2- روستای کوپان | 3- روستای باغ صفا |
| 4- قبرستان صادق آباد | 5- قنات ابراهیم | 6- شاه زاده ابوالقاسم |
| 7- شهر کره ای | 8- تفرج جگاه چاه غیب | 9- له سبز و شتر کش |
| 10- روستای جمال آباد | 11- روستای دشت رئیس | 12- روستای حسامی |
| 13- روستای ده زیارت(شاه خاقان) | 14- گلی چنار | |
| 15- روستای مروشکان | 16- روستای توجردی | 17- روستای نویه |
| 18- اعظم | 19- روستای قلات | 20- مهمد حنفیه |
| 21- چشمه خالص | 22- سه سنه کوه | 23- قلعه سنگی |
| 23- روستای دو راه | 24- روستای سماد جان | 25- روستا فنجان |
| 26- روستای ابوتربه | 27- روستای سیمکان | |

شهر کره ای

شهر کره ای مرکز سرچهان یک شهر تاریخی و دارای تپه تاریخی تل رگی در 2 کیلومتری و قلعه تاریخی اشکانی در 7 کیلومتری میباشد

قدمگاه محمد حنفیه قلات

قدمگاه محمد حنفیه با نام پرستشگاه آب در جنوب روستای قلات در دامنه رشته کوه زاگرس دارای پیشینه تاریخی و دارای درختان انبوه و چشمه سارهای زیادی میباشد

سنت هدیه دادن به الهه اب از قبل از اسلام و هنوز در این منطقه دیده میشود. این محل تفرجگاه مسافری میباشد.

قنات ابراهیم و شاهزاده ابوالقاسم

قنات ابراهیم دارای درختان زیبا و بلند و دارای جاذبه گردشگری میباشد

چاه غیب

این محل هم یکی از تفرجگاه های زیبا با چشمه های آب خنک میباشد



امامزاده شاه خاقان روستای ده زیارت سرچهان

فرهنگ، قومیت، زبان، مردم شهرستان بوانات

زبان:

زبان اکثریت قریب به اتفاق مردم بوانات فارسی است و لغات و اصطلاحات فراوانی در آن استعمال می شود که حاکی از اصالت این زبان است. معدود روستاهای کوچکی (چنار سوخته، چشمه، لقمان، دفر، بنک و چنارزاهدان) به زبان عربی و روستای کوپان به زبان ترکی هم صحبت می کنند. اما زبان اصلی آنان فارسی است. هر چند زبان رایج فارسی است اما لهجه های متنوعی را می توان در گستره جغرافیایی بوانات باز شناخت در زبان گفتاری غیر رسمی برخی ویژگی های گفتاری وجود دارد بعنوان مثال در ساخت دستوری فعل دوم شخص مفرد به جای "ید" "یک" تلفظ می شود مثلاً آمدید را آمدید بردید را بردیک بیان می نمایند همچنین در آخر اسامی "وا" اضافه و تلفظ می شود مثل: لیوان لیوانو

قومیت:

قومیت مردم این سامان فارسی و آریایی نژاد هستند

مذهب، آداب و رسوم:

مردم شهرستان بوانات مسلمان و شیعه مذهب بوده و زبان فارسی را با لهجه های محلی صحبت می کنند. آداب و سنن اهالی این شهرستان کمتر دستخوش تغییر و تبدیل به فرهنگ شهری شده مردم برای اعیاد و سوگواریهای مذهبی و برگزاری سنن و شعائر اسلامی آدابی مطابق با سایر مناطق ایران داشته، اعیاد اسلامی را بسیار محترم شمرده و کار کردن در بعضی از این روزها را مانند عید غدیر و 28 صفر را بسیار مکروه و ناپسند می شمارند. تعزیه خوانی و سایر آداب و رسوم قدیمی همچنان محترم شمرده و انجام می دهند.

موقعیت جغرافیایی و اقلیمی

شهرستان بوانات در طول 36/53 و عرض 33/30 جغرافیایی و در شمال شرقی استان قرار دارد و از شرق و شمال به استان یزد (شرق به شهرستان خاتم، شمال به شهرستان ابر کوه) از جنوب به شهرستانهای ارسنجان و مرودشت و از غرب به شهرستان خرمبید و پاسارگاد محدود می باشد.

حداقل ارتفاع این منطقه از سطح دریا 1505 متر و حداکثر ارتفاع (قله کوه ختاوند یا خاتون) 3362 متر منطقه کوهستانی و سردسیر است. زمستانهای نسبتاً طولانی و سرد و دوره تابستانی کوتاه و خنک دارد. طول مدت یخبندان بطور متوسط 70 روز است. برودت هوا تا 20 درجه سانتی گراد زیر صفر و حداکثر دما تا 34 درجه بالای صفر می رسد.

بوانات در سال 1316 (68 سال قبل) دارای بخشداری در سال 1343 دارای شهرداری رسمی و در سال 1374 به شهرستان ارتقاء یافت.

قابلیت هایی، در امور اقتصادی، تولیدی، زیربنایی، صنعتی معادن، منابع زیرزمینی، کشاورزی، جنگلداری، امور دام و طیور، آبیان و ... دارد

الف) معادن

سنگهای تزئینی: بالغ بر 10 معدن سنگ تزئینی (عمدتاً مرمریت) در شهرستان فعال شده که یکی از آنها در سال 83 رتبه نمونه کشوری را کسب کرده است. (معدن سنگ شایان مرمریت). اخیراً یک معدن سنگ گرانیات سیاه نیز کشف و در شرف بهره برداری است.

معدن مس: یک معدن مس در 5 کیلومتری غرب شهرستان از حدود 10 سال قبل کشف و مورد مطالعه واقع و نتایج مطالعات مثبت بوده اما سرمایه گذاری برای استخراج از توان نیروهای شهرستان خارج است و کاشف معدن هنوز موفق به جذب سرمایه گذار نشده است.

معدن سیمان: نقاطی از منطقه برای ایجاد کارخانه تولید سیمان مستعد شناخته شده و از سال 82 شرکتی با نام شرکت کارخانه جات سیمان سوریان (بوانات) نقطه ای را انتخاب و کارهای مطالعاتی را انجام و در سال 83 قرارداد 70هکتار زمین برای ایجاد کارخانه با اداره منابع طبیعی شهرستان منعقد کرده اما هنوز کار احداث را آغاز نکرده است.

بوانات از سالها قبل دارای نیروگاه محلی برق بوده است و با پیشرفت تکنولوژی در سال 1379 از طریق شبکه سراسری به ایستگاه برق فشارقوی جهت مصارف شهری و روستایی و جهت احداث کارخانه سیمان مجهز گردید

از سال 1386 نیز بهره برداری از گاز طبیعی در این شهرستان آغاز گردید

در صنعت ارتباطات نیز از سالها قبل مجهز به سیستمهای مخابراتی و تجهیزات فرستنده گیرنده شبکه های تلویزیونی گردیده است

فرهنگ

فرهنگ و دانش در این شهرستان سابقه ی دیرینه دارد و از حدود دویست و پنجاه سال قبل مردم این سامان با تاسیس مکتب خانه ها فرزندان خود را به تعلیم قرآن مجید و دیگر کتب و می داشتند. در محضر معلمین مکتب خانه ها مانند ملاسلیمه، ملا رقیه، ملا نرجس خاتون ملقب به میرزا باجی و استادانی همچون کربلایی محمد تقی، کربلایی محمد اسماعیل، کربلایی عباس و ... کسب فیض می نمودند. در سال 1294 اولین دبستان در سوریان توسط میرزا احمدخان و شیخ احمد افتخاری اهل فخرآباد تاسیس گردید که مخارج آن را خود مردم سوریان تامین می نمودند. از سال 1298 بودجه ی دبستان از طرف دولت تامین می گردید. از سال 1300 میرزا عبدالله خان شیرازی از طرف اداره ی فرهنگ فارس به سمت مدیر دبستان سوریان منصوب گردید که از همین سال دبستان بطور کلی دولتی و تحت نظر اداره فرهنگ فارس اداره می شد.

در حوالی سالهای ۱۳۱۲ شمسی مهمترین مکانهایی که مشعل دانش روشن و دارای مکتب خانه بوده شیدان سوریان جیان و مزایجان بوده اند

در سال 1314 و 1315 با تلاش اهالی و مدرسان مکتب خانه ها اولین مدرسه شش کلاسه منوچهری به سبک جدید در سوریان راه اندازی گردید و همزمان در سال 1317 در شیدان دبستان شش کلاسه حکیم و در مزایجان چهار کلاسه طغرای و یک چهار کلاسه در جعفریه و یک شش کلاسه برای مزایجان (هرابرجان) به نام "کی" و در جیان 6 کلاسه رحمت و مدارس دیگری در منطقه سرچهان گشایش یافت. از آن تاریخ به بعد مدارس دیگری در حوزه ی بوانات و سرچهان به تدریج تاسیس گردید. اولین دبیرستان در این شهرستان در سال 1337 بنام دبیرستان بهار تاسیس گردید برگرفته از کتاب بهار قرآن در بهشت برین فارس (بوانات)

در سال ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶ نمایندگی اداره فرهنگ از آباده به بوانات داده شد و سپس در سال 1345 نمایندگی به اداره ارتقا یافت اولین دبیرستان بوانات در سال ۱۳۳۷ به نام بهار (ملک شعرای بهار) تاسیس گردید در واقع آموزش و پرورش بوانات به مناطق هرابرجان هرات مروست سر جهان فنقری دهبید خدمات آموزشی ارایه می داده است تا اینکه به حوره تحت پوشش امروزی رسیده است .

حاج عباس بمانعلی قاری قران (1294) که از دیر باز به تعلیم قران کریم می پرداخته است اظهار می دارد که در گذشته در مکتب خانه درس می گرفتیم و بیشتر قران تعلیم داده می شد در کنار قران کریم کتابهایی چون حمله حیدری کتاب جودی وفایی و امیر ارسلان می خواندیم وی از افرادی همچون محمد تقی ملا سلمه حلیمه خاتون نرجس خاتون ملقب به میرزا ابجی ملا صغری ملا رقیه زهرا سلطان جعفری به عنوان مدرسینی یاد می کند که مکتب خانه ها را اداره می کردند از افراد دیگری هم مثل شیخ ابو تراب فقیهی و کربلایی قاسم (؟) کربلایی محمد تقی کربلایی محمد اسماعیل در سال ۱۲۹۰ به عنوان مدرسان مکتب خانه یاد شده است معلمان اولیه (سال 1298) نیز میرزا محمد رضا . امیر علی خان همایونی. علی اصغر خان و مهدی قلی محمودی بوده اند (بمانعلی عباس ۱۳۷۴) در سال ۱۲۹۴ اولین دبستان توسط میرزا احمد خان و شیخ احمد افتخاری در سوریان بصورت خودگردان تاسیس شد که مخارج آن را اهالی محل تامین می نمودند از سال ۱۲۹۸ دولت وقت مخارج مالی آن را متقبل گردید و میرزا عبدالله خان شیرازی از طرف اداره فرهنگ فارس به سمت مدیر یت آموزشگاه منصوب شد

سالها پیش در شیدان میرزا محمد باقر حکیم مکتب خانه دائر می کند و محتوی آموزش قران بود وی سپس به اصفهان تهران نجف و بیروت و لندن میرود و به مقام استادی دانشگاه می رسد شاگردان وی در شیدان مکتب خانه را فعال می

نمایند که برخی از آنان عبارتند از: میرزا محمد یوسف. میرزا عباس فیاضی (استاد و حافظ قران)، خانم میرزا علی محمد خان. شیخ محمد حسن صدیقی، میرزا احمد پرهیزگار

بر اساس روایت گذشتگان تعلیم و تربیت در جیان بصورت غیر رسمی وجود داشته است و به آن کتبی می گفتند و نیز به اکابر هم معروف بوده است از جمله کسانی که به عنوان مدرسان اولیه از آنان یاد می شود عبارت بوده اند از : مرحوم آخوند ملا غلوم حسین اخوند شیخ احمد شیخ محمد علی سید مصطفی فاطمی کل مصیب میرزا امراله دبستانی محمد اقا معصومی حسین اقای باصری. شیخ حسین عطاری . مکان برگزاری کلاسها در بعضا در قلعه خوانین و محوطه امامزاده (شاهزاده علی اکبر) بوده و بعدها در مهمان سرای خوانین ادامه یافته است معمولا زمان و فصل شروع کلاس اکابر بعد از اتمام کارهای کشاورزی و شروع فصل زمستان بوده که عموما افراد بیکار می شده اند . احتمالا مدرسه در آن زمان برای پرکردن اوقات فراغت افراد بوده است. از سال ۱۳۱۲ موضوع و محتوای آموزشی قران و حساب هندسه فارسی تارخ جغرافی بوده بوده است آموزش روخوانی قران بسیار مهم بوده تا کلاس پنجم کلاس بود و کارنامه هم صادر می شد معدل در کار نبود فقط رتبه بود (به نقل از احمد خرم روز) وسیله آموزشی برای نگارش زغال بوده و از ورقه های حلبی برای نوشتن استفاده می نموده اند و بعد از نوشتن برای پاک کردن آن را آب می کشیده اند. آموزش از سال ۱۳۱۶ ش بر مبنای کتاب هایی بوده که پایه و راهنمای آموزش مکتب خانه ها بوده اولین مدرسه ابتدایی مدرسه رحمت بوده است و مدرسه راهنمایی چهار مردان نیز بعدها افتتاح گردید

اسامی مسئولان نمایندگی و روسا از سال 1328 تا کنون به شرح ذیل است

- 1-همایونی 2- گنجی 3- رضایا 4- درخشان 5- نعمت اللهی 6- تمدن 7- بذرافشان 8- شریفی
- 9- وحیدی 10- بی نیاز 11-بولحسینی 12- سالاری 13- فروتن 14- روستا 15- معصومی 16- اخلاقیان
- 17- ویشکایی 18 درودگر ۱۹- دادور ۱۳۵۸ ۲۰- ابوالفضل ذوالقدر ۱۳۵۹ ۲۱- سید علی رضا معزی ۱۳۶۰
- ۲۲- علی اصغر قادری اردکانی ۱۳۶۱ ۲۳- محمدحسین تقیه ۱۳۶۲ ۲۴- محمد ۱۳۶۴
- ۲۵- محمد تقی چمانچی ۱۳۶۷ ۲۶- خداداد قبادی ۱۳۷۰ ۲۷- حمید رضا جاویدی ۱۳۷۳
- ۲۸- سید حمید افضلی ۱۳۷۷ ۲۹- شیخ داوود محمدجانی ۱۳۸۰ ۳۰- محمد ابراهیم قیومی زاده ۱۳۸۲
- ۳۱- سیدحسن علوی ۱۳۸۷

غذا های محلی :

مردم بوانات بنا بر سنت و اعتقادات مذهبی غذاهای خاصی را برای خیرات و نذورات طبخ و توزیع می نمایند از جمله :

آش رشته :

معمولا با ترکیبات رشته خمیر گندم عدس نخود سبزی و ادویه جات بسیار متداول است معمولا آش پس پایی نیز بسیار مرسوم است و زمانی که فردی یا خانواده ای به مسافرت و یا سفر زیارتی رفته باشد بعد از عزیمت آنان آش رشته ای طبخ و توزیع می نمایند

زمانی که برای یکی از اعضای خانواده حادثه ای اتفاق می افتد که فرد آن حادثه را سلامت پشت سر می گذراند برای سلامتی وی دیگ جوش می کشند بعبارتی آش رشته ای می پزند و خیرات می کنند در بیشتر مواقع این کار بصورت

گروهی و همیاری بانوان در مسجد یا مکان امامزادگان صورت می گیرد و براساس نوعی فرهنگ مشارکتی هر یک از افراد یکی از مواد اولیه مورد لزوم را برای طبخ آش رشته با خود می آورد .
آش حلیم :

از دیگر غذاهای سنتی منطقه است معمولا آش حلیم نذری است. ابتدا گوسفندی را ذبح می نمایند و تمام آن را با آب می پزند و بعد از جداسازی گوشت از استخوان تمام گوشت را در دیگ مسین بزرگی می ریزند. همزمان از ابتدای شب تا صبح بلغور گندم را در آب جوشانده و اعضای خانواده و فامیل و همسایگان حلیم را در دیگ بهم میزنند و سحرگاهان گوشت پخته شده نرم را به بلغور جا آمده اضافه می نمایند حلیمی بسیار خوشمزه و لذیذ بدست میاید و سپس ادویه به آن اضافه میکنند. بر خلاف دیگر شهرهای ایران صرف حلیم در بوانات با نمک صورت میگیرد.
معمولا در ماههای آبان و آذر فصل پخت حلیم است .

شله زرد

نیز نوعی آش نذری است که در مناسبتهای خاص مذهبی معمولا در ماه رمضان می پزند

دمپخت سیرموک و بلک رزی (برگ رزی)

نیز غذاهایی بومی فصلی بوده اند که البته امروزه به مدد فریزر دیگر فصلی نیستند.

همچنین برخی مخلفات و اغذیه بومی نیز در بوانات در مقیاس خانوادگی فراوری می شود شامل :

- ترشی گردو - رب انار - رب گوجه - آبغوره - غورغوره - دوشاب - مربای آلبالو - مربای سیب
- مربای به - مربای کدو - مربای هویج

قورمه:

نوعی غذای محلی است که در گذشته بسیار متداول بوده است و معمولا از گوشت گوسفند پرواربندی شده تهیه می شود بطوری که در ماه آبان و آذر که گوسفندان به حداکثر چاقی می رسند ذبح می شوند و بعد از جدا کردن گوشت از استخوان، گوشت را با دنبه تفت داده در دیگ های مسی یا چدن سرخ می نمایند و سپس آن را در شکمبه گوسفند جای می دهند و تا ماهها گوشت در دمای معمولی می ماند.

بزرگان فرهنگ ادب

میرزا محمد باقر بواناتی (میرزا محمد باقر بواناتی شیدانی)

معلم و مترجم زبان فارسی برای پرفسور ادوارد براون انگلیسی بوده است. نامبرده مکتب آموزش رایگان اطفال در تهران را بنیانگذاری نمود. ایشان فردی ادیب و شاعر و ازادیخواه بود. از کتاب های نامبرده میتوان به شمسیه لندنی، سدره ناسونیه، و قران در چهاربخش (پند و اندرز، قصص و حکایات، احکام قابل اجرا، و احکام غیر قابل اجرا نام برد. ایشان در شیدان متولد شد و بنام ابراهیم معطر نیز مشهور است فرزند صابر شیدانی است و در سال 1310 وفات یافت نامبرده یکی از نوابغ و روشنفکر آزادیخواه بود. ایشان دینهای اسلام و عیسوی و بودایی و زردشتی و کلیمی و مخلوطی از اسلام و مسیحیت را انتخاب کرد ولی نهایتا مسلمان شد. عده ای میگویند او یکی از کسانی است که واقعا اسلام را شناخت و با آشنایی کامل از دیگر ادیان اسلام را پذیرفت. (در مورد این شخصیت ذیلا توضیحات کامل آمده است)

محمد حسین استخر بواناتی

عالم بزرگ، روزنامه نگار مولف و مترجم بوده است (1336)

محمد علی بواناتی (فرخ بواناتی)

شاعر و نویسنده و بنیانگذار خط پریشان بوده است (1332)

میرزا علیخان بواناتی (صبورا)

ایشان شاعر و ادیب بوده است (1313)

طاهر بواناتی

نامبرده شاعر و فاضل بوده است

میرزا محمد بواناتی (فارس بواناتی)

شاعر و هنرمند، نقال و حماسه خان که در قهوه خانه نقالی میکرد و دارای دیوان است

میرزا محمد حسن بواناتی (مفتون بواناتی)

میرزا محمد حسن بواناتی شاعری بزرگ که در سنه 1300 زندگی میکرد است

سید جواد بواناتی

جواد بواناتی شخصیتی فرهنگی و روز نامه نگار (1327) موسس روزنامه آفاق منطبه شیراز بوده است

آقا بابا خان

قبل از میرزا خان خلج، آقا باباخان حاکم بوانات بوده است. ایشان موقوفات زیادی در شیراز و بوانات دارد

میرزای بواناتی (شرح کامل)

شمع بوانات میرزای محمد باقر بواناتی
از علماء بنام بوانات، استاد رجال و حدیث، میرزا محمدباقر بواناتی و فرزند فرزانه اش حاج شیخ اسماعیل بواناتی، در کنار
عالم شهیر شیخ محمد عبده که (نهج البلاغه ایشان معروف است) بوده است.
استاد بواناتی معلم زبان فارسی ادوارد براون بوده است.
مورخین گفته اند ایشان دارای اثری از جمله: ۱- "الدعوة المحمدية" ۲- "مفتاح الفرقان فی ترتیب سورالقرآن"
وچندین اثر نیز منسوب به ایشان می باشد.
روحش شاد باد.



این عکس بسال ۱۸۸۵ در بیروت انداخته شده است
از چپ به راست : محمد باقر بواناتی- شیخ محمد عبده- حاج پیرزاده
(یعنی حاج آقا حسین که بنام محمد حسین در مکاتیب براون ازو نام رفته
است) . پشت سراز چپ بر راست : جمال الدین بیک (بنابه مکتوب براون
پدرش حاکم شرعی بیروت بوده و خودش شاگرد بواناتی) . وسطی شناخته
نمی شود . میرزا اسمعیل پسر بواناتی .
(اصل این عکس در کتاب تاریخ مطبوعات ادوارد براون طبع شده)

میرزا محمد باقر، عالم برجسته، رجالی حدیث شناس، ادیب و شاعر ایرانی و آموزگار زبان فارسی در لندن. مدتی به میرزا محمد باقر خدائی، میرزا محمد باقر کفری و ابراهیم جان معطر شهرت داشت و در لندن خود را محمد باقر ایرانی می خواند. او در ادب فارسی و تاریخ ادیان و آرای ملل و نحل، صاحب مطالعه و ابتکار و تصرف بود. تاریخ تولد وی مشخص نیست اما احتمال می رود که میان سالهای 1230 تا 1240 ه.ق (1203 ه.ش) به دنیا آمده باشد.

(ترتیب شجره نامه: صابر شیدانی -> میرزا محمد باقر -> حاج شیخ اسماعیل).

میرزا محمد باقر فرزند صابر شیدانی از مردم بوانات فارس و از خانواده ای دهقان بود. تا سن 12 سالگی در شیدان بوانات به مکتب می رود و مبادی علوم عصر خود را در زادگاهش فرا میگیرد. بیش از دوازده سال نداشت که بی اطلاع خویشان و کسان به شیراز رفت و به تحصیل سنتی پرداخت و زبان انگلیسی را نیز فرا گرفت.

انقلاب صنعتی تحولی در وجود میرزا محمد باقر بواناتی ایجاد می کند که به هند، یونان و مصر و عراق عرب (بغداد) می رود. در سن 35 سالگی به شیراز می آید در شرح حالش نوشته اند که حرفهای عجیب و غریبی می زده است. سید احمد دیوان بیگی صاحب حدیقه الشعرا در موردش می گوید: والی فارس با او دشمن می شود تا جایی که حکم اعدامش از طرف طلاب صادر می گردد. میرزا محمد باقر بواناتی به راهنمایی سید احمد از شیراز بیرون می رود و وارد برازجان کاروان سرای مشیرالملک می شود در همین زمان سید جمال الدین اسد آبادی از خارج وارد بوشهر شده به برازجان می آید و در کاروانسرای مشیرالملک مقیم می شود و از جریان میرزا محمد باقر بواناتی با والی فارس با اطلاع می گردد به ترفند مختلف او را از آنجا فراری می دهد تا از دست مأمورین دولتی در امان بماند.

میرزا محمد باقر بواناتی به بوشهر می رود در بوشهر مترجم کنسولگری انگلیس می شود. در آنجا همسری انتخاب می کند. از او صاحب یک دختر و یک پسر می شود. نام دخترش در هیچ یک از متون نیامده است. نام پسرش میرزا اسماعیل بوده است. همسر میرزا محمد بعد از تولد میرزا اسماعیل فوت می کند.

میرزا محمد باقر بواناتی به همین دلیل آواره می شود به هند، مصر و یونان و سرانجام در سال 1297 ه.ق وارد لندن می شود. در لندن ادبیات فارسی و ادبیات عربی درس می دهد و از این طریق امرار معاش می کند. حدود پنج سال در آنجا میماند ادوارد براون مستشرق معروف جهان، شاگرد میرزا محمد باقر بواناتی بوده که در کتاب خود سه صفحه پیرامون میرزا محمد باقر بواناتی توضیح داده است.

میرزا محمد باقر بواناتی در لندن دیدار مجددی با سید جمال الدین اسدآبادی دارد همچنین با محمد عبدوه فیلسوف متکلم و محقق و مبارز سیاسی مکاتباتی داشته است. این مکاتبات بین میرزا محمد باقر بواناتی با سید جمال الدین اسدآبادی و محمد عبده معروف است.

میرزا اسماعیل زبان های عربی، فارسی، عبرانی، انگلیسی و فرانسه را یاد می گیرد. دخترش در لندن دیپلم می گیرد پس از مدتی به بیماری سل مبتلا می شود. به راهنمایی پزشکان میرزا محمد باقر بواناتی به خاطر این بیماری، دخترش را به منطقه ی خوش آب و هوای لبنان می آورد. بعد از مدتی دخترش در بیروت درگذشت (حدود 1283).

در لبنان مکاتبات بین محمد عبده و میرزا محمد باقر بواناتی بیشتر می شود.

میرزا محمد باقر بواناتی در لبنان همسر عربی را انتخاب می کند و از او صاحب پسری بنام میرزا اسحاق می شود. محمد باقر بواناتی پس از مدتی اقامت در لبنان، چون دولت عثمانی با ماندن او در بیروت مخالف بود در سال 1302 به تهران می آید.

میرزای بواناتی در سال 1310 در تهران درگذشت.

در شرح حالش نوشته اند در زبان انگلیسی و عبرانی سرآمد همه بوده بطوریکه به وجود او افتخار می کردند و او را یک زبان شناس واقعی به حساب می آوردند در سخنوری ید طولانی داشته در هیچ مجلسی، فرصت به کسی نمی داده او را به عنوان یک ادیب، دانشمند، فیلسوف، زبان شناس، متفکر و مفسر قهار می شناختند در ادبیات فارسی حدود صد صفحه کتاب در مورد این فرد نوشته شده است. به شش زبان زنده دنیا مسلط بوده است که می توانسته ایجاد ارتباط کند.

میرزا محمد باقر بواناتی ادیان مختلفی را طی می کند تا به حقیقت برسد.

در آغاز جوانی درویش مسلک می شود، بعد مسیحی می شود تا مقام اسقفی پیش می رود و سپس آن را رها می کند. یهودی می شود تا مقام خاقانی پیش می رود. وقتی دین یهود را رها می کند یهودیان شیراز گریه می کنند که چنین فرد لایقی را از دست داده اند.

مدتی هم دهری مسلک و بی دین و منکر مبانی توحید و اعتقاد مذهبی بود، لا مذهب می شود حتی به او لقب میرزا کفری می دهند. به سبب شهرت دهریگری و بی دینی و ایراد سخنان بدعت آمیز مجبور به ترک شیراز شد که در برازجان، اسدآبادی او را از مرگ نجات داد

به نوشته براون او نظام مذهبی، از خود ابداع کرد که ترکیبی از مسیحیت و اسلام بود و آن را اسلام و مسیحیت نامید. این دین ابتکاری در لندن نام مسیحی اسلامی داشت سرانجام یک شب حضرت رسول اکرم (ص) را در خواب می بیند و مورد لطف آن حضرت قرار می گیرد فردا صبح آب توبه بر روی خود می ریزد و مسلمان دوازده امامی می شود و به حد کمال و تمام در ترویج مذهب اسلام تعصب پیدا میکند.

او به شش زبان زنده دنیا مسلط بود که می توانسته ایجاد ارتباط کند. سه کتاب مقدس تورات، انجیل و قرآن را حفظ بود به همین دلیل مبلغ دین اسلام در انگلستان می شود و حتی می گویند ورقه تبلیغاتی اسلامی او در دوپست هزار نسخه در لندن چاپ کرده اند. در لبنان با شمعون پسر یکی از کلیمیان سفارت ایران در رابطه با اسلام با زبان عبرانی صحبت می کند. میرزا محمد باقر بواناتی با دلایل علمی و بر اساس تورات به شمعون ثابت می کند که دین اسلام بر حق است. می گویند شمعون در حضور میرزا محمد باقر بواناتی توبه می کند و مسلمان می شود.

معروف ترین اثر میرزا محمد باقر بواناتی، شمیسه لندنی و سیره ناسوتیه است که هر دو در سال 1302 در لندن به فارسی ترجمه شده است. همه ی محققان معتقدند که اولین شعر سیاسی ایران شمیسه لندنی است. در این اثر از ظلم روس و انگلیس بر سر ایران صحبت کرده است و نخستین اثر ادبی است که از خرس روس و شیر انگلیس صحبت می کند.

قصیده ی طولی در مدح حضرت علی (ع) در صد و بیست بیت دارد و ترجیع بندی در ده فصل در توحید سوده است. میرزا محمد باقر در لندن زیر نامه های خود را میرزا ابراهیم معطر فارسی یا میرزا ابراهیم جان معطر امضا می کرده و در شعر معطر و باقر تخلص می کرده است. جالب توجه است که به زبان عبرانی هم قصیده سروده است.

بواناتی پیوند خود را با سید جمال الدین اسدآبادی حفظ کرد و در 1307 به سبب این ارتباط و به اتهام الحاد در تهران محبوس شد اما با شفاعت میرزا علی اصغر خان امین السلطان آزاد گردید. سه نامه از او به سید جمال الدین مشتمل بر تمجید و تکریم سید، باقی مانده که در کتابخانه مجلس نگهداری می شود.

میرزا محمد باقر در لندن از راه تدریس زبان عربی و فارسی امرار معاش می کرد. از جمله حسینقلی خان نواب و عباسقلی خان و ادوارد براون خاورشناس مشهور انگلیسی از شاگردان او بودند.

آثار او عبارت اند از: دو منظومه شمیسه لندنیه و سدیره ناسوتیه مملو از الفاظ مهجور و مشحون از لغات عربی و ممزوج با کنایات و استعارات دور از ذهن و مصطلحات کلامی و دینی ملل مختلف که خلاصه آنها در تاریخ مطبوعات ادوارد براون به چاپ رسیده است. روضات لندنیه و فوحات انجمنیه و کنایت از قرآن معطر تفسیری است منظوم از 26 سوره قرآن که به سیزده «نسیم» تبویب شده است. بواناتی احتمالاً نویسنده مفتاح الفرقان فی ترتیب سورالقرآن نیز بوده باشد که نسخه خطی آن در کتابخانه براون موجود است. او همچنین در نوشتن و تنقیح «فرهنگ انگلیسی به فارسی» تألیف ولستن (چاپ لندن 1889 میلادی) شرکت و همکاری داشته است.

شعر زیر از اوست

گاه خورشید انورت خوانم	گاه دهم نسبت به ماه منیر
برتری زان که من همی دانم	بهتری زان که من همی گویم
در فغانند ز آه و افغانم	جمله کروبیان عالم قدس
شریت توست وصل درمانم	از فراق تو گشته ام رنجور
که از این بیش صبر نتوانم	وصل خود را زمن دریغ مدار
دست شوقت درد گریبانم	هرچه پوشم به تن لباس شکیب
عندلیب هزار دستانم	من که بر ساختار گلبن عشق
انت ربی و لا اله سواک	گویم و از کسی ندارم پاک

شعرهای انزلی‌زبان نرنگ ادب

بوانات (قاسم خوشامن)

از سبزی و از خرمی و باد بهاری	از چهچه بلب و از صوت قناری
از سرخی لاله به رخ سبز صحاری	افتاده برون صورت لیلی ز عماري
خال رخ زیبای گلستان بوانات	یک دشت شقایق ز شهیدان بوانات
انگور نگونسار چو یک کوزه زرین	گردو به تیر دار چو یک حقه سیمین
آونگ به هر شاخه دو صد لعبت شیرین	افتاده به هر بر که یکی خوشه پروین
اینجا نظری کن به فراسوی بوانات	یادآر تو از کشمش و گردوی بوانات
اندر بن هر کوه یکی چشمه روان است	گویی که دو صد زمزم دیگر به جهان است
وقتی که نسیم خنک از باغ وزان است	بلبل به سراپرده گل نعره زنان است
چون کوه ختابون که بود بام بوانات	جاوید بود در همه جا نام بوانات

سرایم بوانات (نجمه توکلی)

به نام آنکه دنیا را بنا کرد	وبهر من بواناتش سرا کرد
ب او برگرفته از بهشت است	و واوش وادی یک سرنوشت است
الف یعنی الفبای صداقت	ونونش معنی نیکوی نعمت
الف یعنی همان انس و لطافت	که بهر مردمانش گشته عادت
ت یعنی تربت پاک شهیدان	دلور مردمان عشق و ایمان
چه گویم من ز اوصاف هوایش	هوای ناب و پاک و دلربایش
چه گویم من ز اوصاف زمینش	گلستان باغ و بستان برینش
ز محصولات ما اندر بوانات	یکی گردو بود از بهر سوغات
دگر محصول ما تاک است و آلو	که صادر می شود هریک به هر سو
تفرجگاه بس جانانه دارد	در آن شاه میر حمزه خانه دارد
قنات نیمه افراز سرافراز	بود میدان تفریحی و دلباز
ز آب رستمش گر من نگویم	خیانت کرده ام بر مرز وبومم
چرا که کبک و تیهو بال در بال	بخواند شعر من را در همه حال
ز آب و چشمه ی جوشان بدره	هر آنکس خورده غم از یاد برده
دگر در وصف او من ناتوانم	منم قطره زدریایش چه دانم
چنانچه خود بیایی در بوانات	گلستانش بخوانی یا که جنات

بوانات (شعر از آقای بمانعلی)

ز شربت خانه شهر بوانات	تو بشنو از دیار ما حکایات
تماشایی بود دشت و جبالش	ز صدها چشمه آب زلالش
به گلزارش طیور آواز دارد	گلستانش به بلبل ناز دارد
شکار قوچ در کوهش سراسر	ز ناف آهویش مشک معطر
تفرجگاه بس شاهانه دارد	مکان باصفا جانانه دارد
به باغش صوت قمری می دهد حال	به کوهش کبک وتیهو بال در بال
وز آن آب زلال نیمه افراز	از آن باغ انار برده شیراز
از آن املاک بی حد و حسابش	از آن چل چشمه و رود پر آبش
ز کهسارش هزاران چشمه جوشد	زمینش در بهاران سبزه پوشد
نسیم دلنوازش هر پسین است	هوایش خوش گوار و دلنشین است
دیارش گو که عارف پروراند	ز باغش گو که سبزه می نوازد
گلستانش بخوان شهر شهیدان	بواناتش مگوه گو مهد شیران

پرستوهای مهاجر بوانات (سید حسن علوی)

دشتهایم سر سبز،	یکی از چار بهشت عالم	من بوانات هستم
و درختان پر بار.	چشمه هایم پر آب،	مردم مهمان دوست،
چشمه هایم پر آب، سینه ام پر تب و تاب!	بچه هایم همگی راهی غربت شده اند.	لیک، از دوری فرزندانم،
چشم بر راه عزیزان خودم دوخته ام،	مانده ام زار و غریب،	سبزه زارم همگی حکم بیابان دارد.
نه که دلسوز نباشند. چرا، دلسوزند!	من برای آنها مثل نا مادریام،	تک و تنها شده ام،
لطفشان... مهرشان... لطفشان	دلشان از غم من آگه نیست،	لحظه ها می شمرم،
دستی از دور بر آتش دارند!	همه از سفره من بهره ها میگیرند، تحفه ها می چینند،	بچه هایم رفتند، دیگران آمده اند،
شاد بر می خیزند، بارشان میبندند،	آه! فرزندانم، آه! فرزندانم!	اما... و هزاران اما... .
همه حزب اللهی، همگی مردم دوست،	همه کاری و دلسوز، پرشور، ولی	که به من لطف و محبت دارند، اما... مهرشان... لطفشان
من ندانم که چرا؟	رخت بر بسته مهاجر شده اند؟	بگذرم... .
ترک من کرده مسافر شده اند؟		و به قول شاعر:

آه و افسوس از آن خاطره ها!	حیف و صد حیف از آن فرزندان!
همگی متحد و یکدل و صاف،	دست در دست نهادند و مرا،
و مرا از ستم ظلم رهایی دادند.	دل پر رنج مرا از غم و درد تسلی دادند.
تا زمانی که عزیزان بودند،	مهربانی و صفا رونق داشت
جویی از مهر صفا در همه جا، جاری بود	کوچه هایم و خیابان هایم
کوه ها و در و دشتم، همه جا	همه جا بوی محبت میداد.
لیک بی روی عزیزان خودم،	چشمه لطف و صفا خشکیده،
آب آن نیست زلال،	ماه و خورشید کدر
کوه ها گوشه غم، سرشان بر زانوست،	قمریان خاموشند، بلبلان می نالند
و طبیعت دلگیر...و...و	آه فرزندانم، چون پرستوی مهاجر رفتند
تک و تنها ماندم	غم دوری عزیزان جگرم آتش زد
اشک چشمان مرا جاری ساخت	آی فرزندانم، آی فرزندانم
باز آیید در آغوش من خسته جگر	باز آرید به من نور بصر
دل من پر درد است	کام من پر ز شرر، سینه ام پر آژنگ
خار در چشم من است!	استخوانم به گلوست!
کوله باری ز مصیبتها را	روی دوشم بنهاد
ارمغانی از غم	هدیه داده است مرا!
کوله بارم اندوه	مانده ام چشم به راه
که به آغوش من خسته جگر باز آیید	درد جانکاه مرا بزدايید
با قدمهای پر از لطف و صفا	و محبت که بود کیش شما
درد من بزدايید، عقدهام بگشایید	چون که گفتند بزرگان خرد

بوانات (آقای دهقانیان)

اگر خواهی ز شهر ما بوانات
اگر جویا شوی آب و هوایش
به هنگام بهارش دلپذیر است
درختانش ز گل چادر کشیده
چنان بلبل کند غوغا به گلها
چنان مرغان نمایند نغمه خوانی
به تابستان بود نعمت فراوان
به باغش میوه از هر نوع که خواهی
ز انگورش چه گویم بینظیر است
دگر کشمش و گردوی بوانات
ز کوه و دشت به هر جا آب جاری
شود کبک و طیحو با هم به پرواز
بیابانش پر از گل با گیاه است
زمستانش بود پر ناز و نعمت
چنان کوهها ز برف پوشیده باشد
ز اهلش گر بپرسی هست خداجو
دلاور مردمی باشند سلحشور
همه اینها که گفتم ای برادر
بوانات خوش بود آب و هوایش
چو گفت دهقانیان این داستان را

.....

شعری از آقای قاسم خوشامن از اهالی روستای منج بازنشسته آموزش و پرورش...

شاید از آرش تباری بوده ام یازفرزندان غاری بوده ام
شاید از ضحاک زخمی خورده ام یا برای خاک ایران مرده ام
شاید از اولاد سینا بوده ام یا به دستش جام مینا بوده ام
حمله چنگیز بادی بود ورفت در ستبر کوهها فرسود ورفت
من سوار بادپایی بوده ام دشت دشت عشق را پیموده ام
از ازل یکتا پرستی کرده ام با خای خویش مستی کرده ام
تا درخشان گشت تیغ حیدری شعله زد بر هفت چرخ چنبری
رستمی هستم علی مولای او کشتی نوحم علی دریای او
وقت تنگ وپایم اندر بند بود آخرین جولانگهم اروند بود
تا بر آوردم صدای یاحسین فکه میلرزید ودشت خانقین
هم صدایم حیدر کرارشد تا خدا فریاد من تکرار شد
دشمن از اروند تا بغداد رفت آن پریشان آرزو بر باد رفت
دشمن ار خواهد از ایران بگذرد باید از دندان شیران بگذرد
چون بمیرم بر سر دوشم کنید خاک ایران را کفن پوشم کنید

من نمی دانم زنسل کیستم من زنسل پادشاهان نیستم
یا کنار کاوه در پای درفش برجهید از تیغ تیزم آرخش
تیغ رستم را به دندان سوده ام شاید آن تیر گزش من بوده ام
تیغ اسکندر زمین گیرم نکرد چرخ چرخان فلک پیرم نکرد
شاید از اقصای جیحون آمدم یا به همراه شبیخون آمدم
آیتی در فصل غیرت ساختم کودکانم را به سند انداختم
با اهورا جام یکتایی زدم با خرد تا دشت دانایی زدم
من غلامی از غلامانش شدم خاک پای وگرد دامانش شدم
کاوه ام اما علمدار علی آرشم اما کماندار علی
بی کس وبی ریشه ام انگاشتند ناتوانوخسته ام پنداشتند
کاروان را با ملاتک رانده ام با شهیدانم غزل ها خوانده ام
در چروک صورت ایران زمین خفته ها دیدم زفرزندان دین
نام ایران راحت جان من است جان من قربان ایران من است
حالیا من هستم واین آب و خاک این دل از عشق ایران چاک چاک

شجره نامه بعضی فامیل های مشهور در شیدان یوانات

ذکر اسامی با اجازه بازماندگان

شجره نامه صدیق و صدیق



ذکر اسامی با اجازه بازماندگان

شجرہ نامہ عسوی



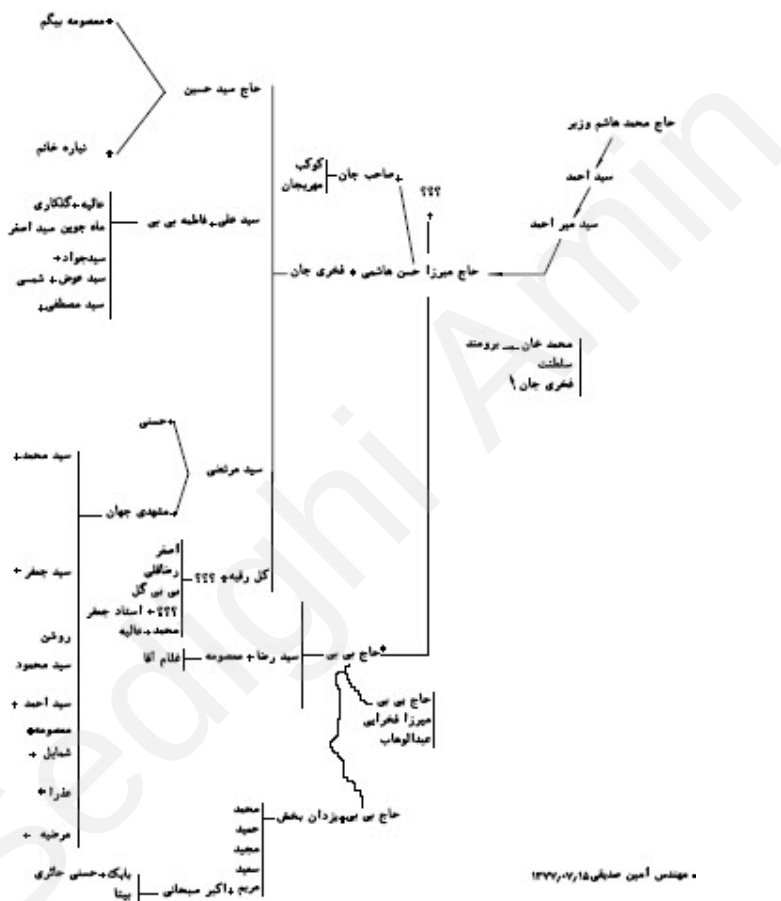
ذکر اسامی با اجازه بازماندگان

محمد رحیم امانی
 + مشہدی زہرا
 + مشہدی امانی
 + سلطنت بیگم فیاض
 + صفرا
 سید کریم فیاض
 + میرزا یوسف + ۹۹۹
 + رقیہ سلطان
 + ملا جعفر
 + مرضیہ بیگم + میرزا محمد تقی
 + عباس فیاض + فاطمہ
 + رقیہ بیگم + محمد الاقلامی
 + متول فیاض
 + میرزا محمد جواد + فرنگیس
 + میرزا محمد صادق + زہرا
 + میرزا محمد کاظم + نسرین

پہ کنندہ - مهندس امین صدیقی ۱۳۷۷/۰۷/۱۵

ذکر اسامی با اجازه بازماندگان

شہزادہ نامہ ہاشمیہ (حسن ہاشمی)





پایان

<http://bavanat.persianblog.ir/>
<http://bavanat.parsiblog.com/>
<http://bavanat.blogfa.com/>
<http://bavanat.ir/>
<http://www.sarayambavanat.blogfa.com/>
<http://sarchahan.blogspot.com/>
<http://bavanatasami.blogfa.com/>
<http://sarweasami.blogfa.com/>
<http://mazayejan.blogfa.com/>
<http://www.farsnama.com/index.php?DISP=inv&cit=bavanat>
<http://www.fakhrabadbavanat.blogfa.com/>

کتاب بهار قرآن در بهشت برین فارس (بوانات).
کتاب اقلیم پارس ص 155
میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری بوانات
جزوات فرمانداری بوانات
در تهیه شرح فوق از کلیه سایتهایی که بنحوی اطلاعاتی در مورد بوانات داده شده استفاده نمودم
خالی از اشکال نیست راهنمایی بفرمایید

Sedighi Amin
Sedighias220@yahoo.com